

آزادیخواهان ایران متحد شوید!

در باره ماهیت ادغام دین و سیاست

جمشید آریانپور

آزادیخواهان ایران متعدد شوید!

درباره ماهیت ادغام دین و سیاست

جمشید آریانپور

فهرست

- | | |
|----|--|
| ۵ | - آیا هدف و سلله را توجیه می کند ؟ |
| ۱۰ | - تئوری استعماری ادغام دین و سیاست |
| ۱۳ | - نقش مخرب دین در انقلاب مشروطیت |
| ۲۰ | - نگاهی بر قانون اساسی مشروطیت |
| ۲۴ | - خمینی عامل اجرای سیاستهای سلطه جوانان خارجی |
| ۲۹ | - "وجهه مشترک اسلام اتفاقی و سوسیالیسم علمی" |
| ۳۹ | - انقلاب اسلامی یک انقلاب نیست ! |
| ۴۲ | - خط طبزگی که مجاهدین خلق را تهدید می کند |
| ۴۵ | - چند بیوشن ابتدائی از آقای هزارخانی |
| ۴۸ | - وظیفه آزاد بخواهان ایران در باره مذهب چیست ؟ |

خوانندگان عزیز توجه کنند:
منظور نویسنده از "ادغام دین و سیاست" در واقع "ادغام
دین در دولت و امور سیاسی" می باشد.

۱- آیا هدف و سیله را توجیه می کند؟

پدیده روی کار آمد ن رژیم جمهوری اسلامی (رج ۱۰) در تاریخ طولانی پراز فراز و نشیب ایران از آن جهت حائز اهمیت است که اکنون اکثر طبقات و اقسام مردم هاگوشت و پوست خود میتوانند نقش واقعی پلک دولت مذهبی را در سرنوشت سیاسی کشور خویش تجربه کنند . در جامعه عقب مانده ، مذهبی و خرافاتی ایران حتی بهترین کتابهای آموزشی و روشنفکرانه نیز نمیتوانست تا این اندازه مردم ما را نسبت به مذهب و تبعیبات کورآن - تحت لواح دولت اسلامی - آگاه و هوشیار نماید . گواینکه مردم ایران متحمل ضریبات و شداید جهان ناپذیری شدند ، اما بزرگترین درسها ای عینی و طموس را می آموزند ، تا خود فraigیرند که این غایمین در سیاست و دولت تسا چهاند ازه میتوانند کشوری را بسوی قبه قرار و سقوط سوق دهد . در عین حال باید متذکرشد که خواندن خروارها کتاب و جزوی درباره جد ایشان از سیاست - که روشنفکران مادر طبول . ۸ سال گذشته به مترجمه و تحریر آن پرداخته اند - نیز نمیتوانست که چندانی در شناخت از

ماهیت روج ۱۰ بنماید . بسیاری از روشنفکران ، رهبران و مدعاوین " مهارزات انقلابی " تحت لوای " هدف و سیلهر اتوجیه میکند " به صورت نمازگزاران و حتی پهلوی نمازهای مذهبی و داشته دارآمدند . در حالیکه نهضتها اعتقاد دارند مذهب و " اسلام را استین " نداشتند ، بلکه تعبیلات و تفکرات ضد مذهبی خود را برای راهاعیان شمود میبودند . آنان بهاین نتیجه رسیده بودند که هدف سرنگونی رژیم سابق به مردم قیمت و تحت هوش را پیش است . با پدید آزه روسیه و امکانی هر آن دارد ازه ناچیز بزرگ است . اگراین امر بقیمت زیر پاگذاردن تمام اصول و نتایج علمی و صحیح باشد که حاصل رنجها ، مراحتها ، قربانیهای بی سابقه ، آزمایشها ، تحقیقات و مقایسه های آزاد بخواهان در طی سالیان دراز بوده است . اگراین امر حیات سیاسی واستقلال پک کشور را به خطر اندازد . حتی اگراین امر موجب جنک هسته ای گرد و چند بمب هیدروژنی و اتنی از فراز تهران و چند شهر بزرگ دیگر فروانقد و نابودی یک طت را فراهم آورد . متأسفانه این قبیل " روشنفکران " توانستند با تسلیم بهاین ظریز تفکر و اندیشه های ضلل و انحرافی بسیاری از افراد و نیروهای گوناگون را تحت تاثیر قرار دهند . بطوطیکه نهضتها در ۶ سال بلکه در ۷ سال دهه گذشتند باعث هرز و فتن و ایجاد شدن انحرافها و تلاشها ای فراوانی شدند که میتوانست در راه مکراسی و آزادی ایران سود مند واقع شود . شجاعت و تھور فوق العاده ای که بسیاران از فرزندان ایران از خود نشان دارند کمنیست . اما این شجاعت و

تهره همراه افکاراید هالیستی والتفاوطی چه حاصلی بیار آورد؟ اسلام "مولاعلی" و "مولحسین" در خدمت کدامپیک از آرمانهای دمکراتیک و آزاد پیخواهانه قرار گرفت؟ اگر آن کسانی که به استقبال مرگ شتافتند به این نتیجه میرسیدند: نمیتوان بازی پریا گذاردن اصول غیرقابل انکار علی و ماتوصل به "اسلام راستین و مترقب" به آزادی و دمکراسی رست پیدا کرد، آیا در رفتگر خود تجدید نظر نمیکردند و مذہب "مترقب" را بد ورنی ریختند؟ واقعیت‌های امروزی نشان میدهد که باتائید و توصل جستن از نقطه ضعفها و عقب ماندگی‌های یک طبق در دند و سلطط پد و پهنه برداری از هر وسیله‌ای که تمام اصول ثابت شده، علی و روابط انسانی و دمکراتیک را زیر پای میگذارد، شاید بتوان یت رژیم را با استفاده از تضاد‌های راخی و خارجی سرنگون کرد، اما نمیتوان به دمکراسی و آزادی رست پیدا نمود. بنابراین هر هدف فی وسیله را توجیه نمیکند؟ نکته اساسی در اینست که هدف چیزی و مقصود کدام است؟ البته هدف شرافتمد انه و نیکوئی که در خدمت منافع مردم ایران، دمکراسی، آزادی، استقلال و دالت اجتماعی، باشد مطمئناً و اعتماد کامل میتواند از هر وسیله شرافتمد انه‌ای که صلاح بد آن و برای نیل به آرمان بزرگ در نظر گرفته شده باشد جویید.

شرط آنکه هرگز استفاده از هر "وسیله" بمعنای آن نباشد که اصول و اعتقادات مردم، ملی و آزاد پیخواهانه و حتی خود هدف زیر پسا گذارده‌باشد. اما "شوریسینها" و "روشنفکران" مابازی پریا گذاردن

اصل خدشها پذیر جد این دین از سیاست و دولت که حاصل صدها سال مبارزات تاریخی در جهان است یکی از مهمترین نتایج بدست آمده ثبات شده اسان مترقب و آزاد اند پس رانقض کردند . هدف آنان تنها سرنگونی رژیم شامبود نه استقرار مکراسی و آزادی در ایران ! بنابراین طبیعی بود که بسادگی زیر چرجم اسلام آقا خمینی و روحانی قرار گیرند و بیاری رژیم بپردازند که از همان ابتدا کفریه نابودی آزادی و مکراسی بسته بود . آنان با طرفداری از شوری سلطنه جویانه و استعماری ادغام مذهب و سیاست که سالیان سال بوسیله کشورهای استعماری - برای بزرگی دنیا و دنیا ملتها - تبلیغ شد مهود ، عملای بزرگترین ضربه هارا به استقلال و آزادی ایران وارد آوردند . آیا روزهای اوایل " انقلاب " را بیاری آوریم ؟ در آن روزها هنگامیکه دانشگاه ها به مکانی برای بحث و تبادل نظر تبدیل شد مبنی مردم برای اولین بار از خلاصه موجود برای بیان نظریات خود استغفار کرده و گفتگویی پرداختند ، با صحنۀ حیرت آوری روبرو شدند . برخی از دانشجویان شناخته ند و غیر مذهبی دانشکده های مختلف که در سالهای قبل از موضع " مترقب " و " انقلابی " برخوردار بودند و حق مذهب را به سخره میگرفتند و دانشجویان مذهبی را مورد استهانز اقرار نمیدارند ، همراه با برخی از عوامل حزب الله فریاد میزدند " بحث نکید " ! " متفرق شوید " ! " بحث بعد از مرگ شاه " ! " هر کی بحث کنه ساواکیه " . این آقایان همان کسانی بودند که بعد از

بیش از هر کس سنگ "اسلام‌مبارز" و "انقلاب بزرگ شکوه‌مند زنسر" پرچم اسلام‌به رهبری امام خمینی "رباسینه میزدند. روش و سبک کارشان مشخص بود. آنان با فرصت طلبی به رهبر ارجی از عقب ماندگی و ساد طلوعی مرد مپرد اختند و از مذہب بعنوان وسیله‌ای که میتوانست آنان را در راه رسیدن به اهدافشان یاری رساند استفاده کردند. اکنون ۶ سال از آن دیران میگذرد. بسیاری از این روستان بعد‌ها روانه جبهه‌های "جنگ میهنی" شدند و از بین رفتن و گروهی در گنج زندانهای رژیم پسر میبرند و هر خی هم‌غیرسیاسی شد و هم‌زندگی بخورو نمی‌گیرند. در ایران اراده مید‌هند. تعدادی هم‌توانسته‌اند در این اواخر به خارج بگیرند. اینست نتیجه آن‌مه تلاش‌ها و مبارزات "باشکوه" در راه "انقلاب اسلامی". آری هدف‌های آزادی‌خواهانه مرد می‌باشد و والا روش‌ها و وسایل پسندیده و صحیح را طلب میکند و هدف‌های غیرد مکراتیک، ضد مردمی، ناارست و است روش‌ها و وسایل غیرپسندیده و غلط را. یک‌نیما انرژی و کوشش در توجیه وسیله برای اهداف پنهانی و ضد مکراتیک بی‌فايده است. تلاشی عبث خواهد بود و عمری پشیمانی و سرافکنیدگی و انجشت تاسف به تپک رندان گزیدن! کلیه فعالیت‌ها برای پوشاندن اهداف ضد دموکرا و ضد ایرانی نمیتوانند حقیقت را پنهان کنند. سبکها و روش‌های غیر دمکراتیک و انحرافگرانه واستفاده از وسایل و شیوه‌های غلط پرداز اهداف واقعی برخواهد داشت. کافی است به نمونه‌های بیشماری

که "خوشبختانه" درین مایه‌انهان فراوان است، نیمنگاهی بیان از
تاقیق این نکه را بهتر دریابیم.

۲- تئوری استعماری ادغام دین و سیاست

مادر جهانی زندگی میکنیم که کلیه کشورها میتوانند از تجربیات تاریخی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی یکدیگر بیاموزند و بهره‌مند شوند. مهارزات مردم اروپا در چند قرن گذشته، انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب ۱۸۴۸ که سرتاسر قاره اروپا را در بر گرفت، و جنگ بین‌المللی اول و دوم و نتایج حاصله از آن امری نیست که تنها مختص به مردم اروپا باشد، بلکه تفاهم‌سازی نتایج آن را متعلق بخود میداند و از شکستها و پیروزی‌ها آن بهره‌مند می‌شود. اما انقلاب ۱۷۸۹ از آن جهت حائز اهمیت است که برای اولین بار بعد از خالت دین در امور سیاسی پایان را در دست کلیسا و روحانیت را زد خالت در مسائل ملکیت کوتاه کرد. و موجب شد که اولین اعلامیه حقوقی بشر در ۲۶ اوت همان سال تدوین گردد و شعار زیمان آزادی، برابری و هداری مطرح شود. این رویدادهای بزرگ نه تنها برای ملت فرانسه بلکه برای تفاهم‌سازی پر از شمشید می‌باشد. البته درجه‌هایان قبل از انقلاب کبیر فرانسه مردم مطلع بخورد ارسیدون از تغیرواند پشه علمی اکثر مجبور بودند در مهارزات حق طلبانه خود از منصب استفاده کنند و اغلب جنبش‌های ابران احراق حقوق پایمال شدند مردم شکل دینی

به خود میگرفت. جنگهای رهقانی و ضد فئودالی در آلمان و فرانسه، پدید ارشد نمذہب پروتستانیسم و تلاش رهبران مذہبی چون لوتوزه رآلمن و کاللون در فرانس مهمگی نشان دهند. آن است که در آن در وران مرد ماید ظلوزی دیگری بجز مذہب نمی شناختند و مجبور بودند با تکیه براید ظلوزی مذہبی مهارزات خود را گسترش دهند. اما انقلاب کبیر فرانسه به افسانه "دین محروم" خاتمه دارد. دیگر لازم نبود که آزار پخواهان سخنان خود را در لغافه دین پیوشا نند تا مورد قبول واقع شوند. سد توهین شکسته شد و آزار پخواهی و آزار اندیش خود را از قبود مذہبی نجات داد. از این در وران به بعد تنها کشورهای استعماری و دولتهاست که از مذہب برای تحقیق مرد موفر بآنان استفاده کردند. از این پس جنبش‌های آزاد پخواهانه و استقلال علیانه‌ای که نتوانستند خود را از قبید ریسند رها کنند، یکی پس از دیگری شکست خوردند. تنها آن جنبش‌ها و مهارزاتی موفق گردیدند که نتوانستند خود را از چنگال مذہب و خرافات متنهای رهانی نمایند. در این میان این تنها کشورهای بزرگ استعماری و حکومت که سرکوب شدند که نتوانستند بجهات بیشترین وجه از مذہب برای تفرقه افکندن، تقسیم نمودن، منکوب کردن و مالا خرمتحت کنترل را آوردند. ملتهای تحت ستمپهربند اری کنند. کشورهای بزرگ استعماری متوجه شدند که تنها از روی سرکوب عربان و شکرکشی نمیتوانند حاکمیت آنان را در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره مضمون کنند.

بنابراین میسونری‌های مذهبی را گروه‌گرده و آنها فرقیقاً آمریکای لاتین و آسیا نمودند. تا آن‌تاریخ بتوانند بوسیله‌دین زمینه‌را برای پروردشان آماده ننمایند. در نمیمه‌اول قرن بیست‌هشود که جنبش‌های رهایی بخش و آزادی خواهانند بوسیاری از مذاقق با تکیه بر مهارزات حق طلبانه و ضد استعماری به افشا ماهیت شوری ادغام دین و سیاست بصورت یک طرز تفکر استعماری و نواستعماری پرداختند. بدین ترتیب شوری ادغام دین و سیاست بصورت یک طرز تفکر استعماری و نواستعماری ورشکستگی خود را به این عیان نمود.

در میهن مانیزد را بتد اپس از حمله اعراب جنبش‌ها و مقاومتها را استقلال طلبانه برای رهایی از ستم و جور اکثرا در اشکال مذهبی بروز میکرد. اما طنین انقلاب کبیر فرانسه در اوخر قرن هیجدهم و تحولات ویامدهای بعدی در اروپا، ایران را همدون تاثیر نگذارد. همزمان با رشد سرمایه‌داری و رشد بازرگانی خارجی در قرن نوزدهم، ارتباط با اروپا و جنگهای گوناگون با همسایگان، جنبش‌های آزادی خواهان نمیزد رصور مختلف پدید ارشدند. اما تقریباً کمی‌مانن جنبش‌هاشکل مذهبی را نشستند. قیام‌های هایکی از پرجسته‌ترین آن‌هاست که در اواسط قرن نوزدهم ۱۸۵۰-۱۸۴۰ ظاهر شد. باب ریروان و میخواستند قران و دین اسلام را بتغییراتی با اوضاع و احوال جدید وفق دهند. باب وعده دار صبور کرد ولئن نوین و نظام عاد لانهای بوجود خواهد آورد. وزمان آن رسید صبور که هم‌دین ظهر ورکت اما قیام‌های هامانند سایر جنبش‌های مذهبی، شکست خورد. این

شکست و شکست بعدی در انقلاب مشروطیت در حدود نیم قرن بعد ثابت شود: که حبشهای حق طلبانه و آزاد بخواهانه اگر نتوانند خود را از قید و بند مذهبی نجات دهند محکوم هشکست میباشند.

اما در ایران، بودند مردان بزرگ و آزاد های که بر علیه دخالت دین در سیاست مهارزه کردند و باشهمامت و جسارتی فوق العاده به رفع توطئه دست نشاند گان و عوامل خارجی مذهبی پرداختند. پس از این شخصیت های که متوجه مناقش مخرب روحانیون در اوضاع سیاسی ایران گردید، امیر کبیر بود که از آغاز فعالیت های سیاسی خود به مهارزه های همه جانبه بر علیه نفوذ مذهبیون در ارکان دولت و همچنین دخالت آنها در سیاست پرداخت. امیر کبیر مرد زمان خود بود. اما مطالعه کتابهای ارجواعی از رویدادهای تاریخی قرن ۱۹ و ۲۰ آنکه گردید و همین آنکه و شناخت از آن دشمنان مترقب همراه بالهات و احساسات وطن پرستانه موجب گردید که خدمات پرازشی را عرضه دارد. (۱) (۱) بطوریکه سفیر انگلیس در ۱۸۴۹ (ژوئن) در گزارش ملاقات خصوص با امیر نظا منوشت: "امیر نظا مصمم است که جلو نفوذ روحانیون را بگیرد، گرچه مهد اند کاری است بسیار شوار و بر خطر وی متذکر شد که دلت عثمانی وقتی در راه تجدید نیروی خود توفیق یافت که نفوذ علماء را در رهشکست و گفت او همین کار را خواهد کرد و یا سرن را برپار خواهد دارد." همچنانی وقتی که اختلاف امیر با امام جمعه تهران بالا گرفت امیر گفت: "یا باید در بر اراده های اسلام

د خالتهای امام جمیعه‌ایستاد گی کم، بار است از سیاست وزیر امدادی
بکشم. متأسفانه این خاص علمای پاپ تخت نیست. در رستaurان ایران،
ملایان کمپایپس درین قدرت هستند و میخواهند در امور سیاسی و
دنیا و دن خل و تصرف نمایند؟ (۲) باید رانست که درستگاه‌امام
جمعه‌تهران همواره مورد توجه سفارتخانه‌های روس و انگلیس بود. و هر
د وسیعی را اشتبهد است که آن روابط نیکوونزد یکی را اشتبه‌اشند و
اسناد ماحکایت میکند که آن درستگاه همچو گاه از الودگی سیاسی یا ک
نهود. (۲)

اینست نقش واقعی مذهب و روحانیون برای دخالت در امور
سیاسی ایران، اسان پیش و امیر کبیر یکه و تنها به مقابله باشد سایپس
آنان پرداخت و در این راه هم مرد انه جان باخت. اما هنگامیکه در پیش
۵ خوندهای خائن و وطن فروس به هبری خمینی روی کار آمدند
روشنفکران و رهبران ماجهه کردند؟ آیا امیر کبیر را ۴۰ سال پیش از
ایرانیان "سترقی" که در نیمه دوم قرن بیستم زندگی میکند جلوتر نهوده
است؟

۳- نقش مغرب دین در انقلاب مشروطیت

در رهاره رویدادهای اوائل قرن بیستم رکشور ما یکی از هشت‌شهرهای
که هنوز مطرح میباشد اینست که کدام عوامل اساس شکست انقلاب
مشروطیت را فراهم آورند؟ البته سیار از توپسندگان و مورخین

چگونگی شکست انقلاب مشروطیت را مورد بررسی قراردادهاند و فرضیه‌ها و نظریات فراوانی ارایه شده است، اما مردم را همراهان عمل نتوانسته‌اند از تجربیات تلخ ولی پیارزش آن در وان بینا موزنده تابتوانند در هنگامهای پیروزش دنیا با پیمانهای آزمایش‌های بعدی از تکرار اشتباہات گذشت همراه با همیزگرد و در رفع کمبودها و نواقص بکوشند، در این میان شبح سیاهی که از همان ابتداء سایه مخرب خود را بر انقلاب مشروطیت افکد و مهرنس را بر سر لوحه قانون اساسی و اصول مندرج در آن نهاد، همانا در خالت دین در امور سیاسی مطکت بود، این تاثیر باند از های بود که نهضه‌ای که علی‌الله عزیز اسلامی ایجاد کرد از شکست، بلکه زمینه‌های ایجاد یک حکومت مذهبی فاشیستی را در ۲۰ سال بعد نیز فراهم آورد، اگر با واقع بینی به رویدادهای آن در وان توجه شود، مشاهده میگردد که انقلاب مشروطیت به سیله آخوند ها و روحانیون رهبری شد و در آخوند مشهور بنا مسید عبد الله بهبهانی و سید محمد طباطبائی از ابتداء ای تظاهرات وست نشینی هانقش رهبری کنند و پیشوائی را بر عهد داشتند، امروز هنگام میکم باسی و نقش صد ها آخوند عمامه بسر و عقب مانده ای که در آن در وان بینی میگردند، میگریم، نباید تعجب کنیم بر جنبش مشروطیت تحصیل کردند، میگریم، نباید تعجب کنیم که چرا انقلاب مشروطیت شکست خورد، اگر در اوایل مشروطیت نیروهای مذهبی و آخوند های بودند که از جنبش مرد مطرف داری میگردند، با حاد شدن تضاد ها ورشد مبارزات و پیروزش دنیا این

واقعیت که اسلام و مذهب هب هنگامیکه در سرنوشت سیاسی کشور خالت
کند با آزادی و مشروطیت به مقابله بر میخیزد، مجبور گردیدند در سنگر
مبارزها استبداد، مذهب و عمامه را بد و را فکند. بطوطی که شمار روان
احمد کسری میگوید "همان پیشنهاد نیز کم کم ویکاپ کاره گرفتند، و
نمایند در میان مشروطه خواهان مگر آنان که بیکار از پیشه ملایی واژد را مد
وشکوہ آن چشم پوشیدند، و یکسر به آزادی خواهان پیوستند. همان
 حاجی سیرزا ابوالحسن نیز با آنکه تا چندی گشاد وست بسیار گردید
سایه هشتیانی آزادی خواهان شناختگی یافت با از پیشه خود دست
برداری نتوانست، و هی از زمانی او نیز کاره گرفت و خواهیم دید که چند
سال دیر ترجمه شمعی بزرگی با مشروطه، بلکه به کشور نشان داد." (۴)
البت هنقت رهبران مذهبی در سرنوشت سیاسی ایران همان گونه که در
بخش گذشته اشاره شد، از سابقی طولانی برخورد اریوده است. اما
پس از شکست قیاپهای ها وقتل امیر کبیر نیز و های مذهبی اکثرا بد و
گروه مشخص تقسیم شدند، گروهی هوا خوار و سیه تزاری بودند و
گروهی بزرگی طرفدار انگلیس و این در وکشور یعنوان د و قدرت بزرگ
استعماری و سلطه گراز همین امر برای نفوذ در ارگانهای سیاسی و
د ولتی استفاده میکردند. بدین ترتیب در اواخر قرن نوزدهم کشمکشی های
دانند اروپی و روسیه و انگلستان روی داد. در سال ۹۰۰ حکومت
روحانی بین روسیه و انگلستان روی داد. مظفر الدین شاه پس از ریافت وائی ببلغ ۲۵۰۰۰۰۰ روبل و

شایعه وارد و مرسیه به مبلغ ۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ارائه نارضای مردم را
 فراهم آورد . عوامل مذهبی و روحانی با پشتیبانی انگلیس فوراً دست
 بکارشدن داشتند . دره فوریه کنسول یارانگلیس سترگرم با یکی از مجتبیان
 اعلیٰ حسید عبدالله بهبهانی ازد وستان قدیمی انگلیس هارید از کرد
 هنگامیکه گریم از وا مررسیه ایاد میکند سید عبد الله مخالفت خود را با آن و
 تصمیم علما را نسبت به ممانعت از جنین استقراری بمان میکند و میگوید
 اشکال کارهای راین است که بعض از روحانیون بزرگ اند و برخی رشوم خوار
 آمرای هد استان کردن آنان نیازمند پول بود و میخواست مطیعیت
 شود که اقدامات آنان از طرف انگلستان مورد قدردانی واقع خواهد
 شد و میگفت که در این مورد رحیف مصالح انگلیس و ایران یکسان عمل
 میکند . (۵) ... کنسول یارانگلیس سید عبد الله بهبهانی در پاره
 در ۲۳ فوریه بهم نشستند . . . سپس بهبهانی از لزوم اقدام دست
 جمعی علماسخن میگوید و متذکر میشود که باید مأموران مخفی به مشهد
 فرستاد و هر چند ونجهف و اصفهان و شیراز ، زیرا آخوند هاراین نقاط
 آماره اقدام اند . و برای مخارج ایاب و ذهاب پول لازم است . . .
 گریچه اسخن مید هد که وزیر مختار راین نیازمند یهارا پیش بینی کرد و مبلغ
 ۰/۵ تومان فرستاد هاست و سپس پول را بر سید عبد الله مید هد . و بر
 اساس این تفاهم که هر اقدامی باید موافق با شاه است و دلت
 خواهی باشد . سید پول وریا کاری هر دو را میبندید و میگوید : البته
 مگر در یگری برروی ما باز است ؟ . . . سید گفت که حتی فکر وصول رسید

پهلو را از این و آن نباید به خاطر راه دارد . این مطلب که خارجیه ایه
این نهضت علاوه دارد باید کاملاً مخفی بماند و اگر نه بعض مردمان
خواهند گفت " شمامارا از دست عدای از کارنجات مید هید تا
تسلیم عده بگرکند " . (۱) دو سید (سید عبد الله بهبهانی و سید
محمد طباطبائی) که شار روان احمد کسری در کتاب " تاریخ مشروطیت
ایران " به نیکی پاد کرد و آنرا املاهای موافق و آزاد پنجه خواه معرفتی
مینماید ، پس از اینکه متوجه میشوند که آزاری کامل مطبوعات وغیر مذهبی
کرد ن عدليه و جلوگیری از استنشقانی ، مذهب و دخالت آنرا در امور
سیاسی تضعیف خواهد کرد و از اهمیت و نفوذ روحانیون خواهد کاست
به مخالفت برخاستند . بطوطی که سید محمد طباطبائی گفته بود : که
ایرانیان قران را در ارند و اگر توجه شود خواهند رشد که کلیه قوانین غربی
از قران گرفته شده است . البته کسری در قسمت دیگری از کتاب درباره
نقش ملایان اینچنین سخن میگوید : پک تیر میز رگزد بگری ملایان
میبودند که پیشگام را هم اینان بگردند گرفتند . اینان هم بد و دسته
میبودند : پک دسته شار روانان به بهمانی و طباطبائی و همراهان
ایشان و . . . بودند و در همان حال معنی مشروطه را چنانکه سپس
دریدند و دانستند نمیدانستند و آن را باید انسان که در روایها بود ،
نمیطلبیدند و خود از کشورهای اری و چگونگی پیشرفت تود و اینگونه
اند پیشه‌ها بسیار در و میبودند . پک دسته بگری معنی مشروطه را همچیز
ند انسته و بکشور تود هم لبستگی نمیداشتند و در آمد نشان به

مشروطه خواهی به آرزوی رواج "شریعت" و پیشرفت دستگاه خودشان میبود، و خواهیم بود که اینان سپس عنوان "مشروعه" را بین آوردن تو
د پیریا زود از همان مشروطه خواهان بکار رفته اند حل پیش رویان بود. (۲)
نفوذ رهبران مذهبی و تغکرمذ همیں در مهارزات سیاسی و آزادی-
خواهان بقدرتی بود که آنان نتیجه ارهبی خود را با تسلی به خرافات
مذهبی بر مردم متهمیل نمودند و ۱ از کرسیهای مجلس را در درست
گرفتند بلکه در تردید وین قانون اساس و متمم آن اصول مذهبی خود را نیز
گنجاندند که مبارایه مشروطه مشروعه و شریعت میین خلی وارد گردند.
سرد ستریا کاران مذهبی شیخ فضل الله نوری بود که با سرسرختنی با
آزادی مطبوعات مخالف میکرد و تمام کوشش خود را بکار گرد که در
قانون اساسی علاوه بر کلمه مشروطه و مذهبی آور متشود و با تفاق
سایر آخوند های موافق اصل دو ما متمم قانون اساسی را ایرانیانکه
کلیه قوانین میباشد با موافقت و نظر کامل هنر آخوند ها و فقهاء
باشد را تد وین کرد. شیخ فضل الله نوری دشمن بزرگ مشروطه و آزادی
بود ولیحدهای از تلاش در این راه دست برند اشت. در این میان نباید
نقش روشنفکران و نیروهای غیر مذهبی را نیز از نظر دارد. با کمال
تاسف باید گفت که آنان همانند اخلاق خود در ۲۰ سال بعد کوشیده
عقاید و نظرات خود را در لیاست و قالب مذهبی جلوه دهند و برای هر
خواسته خود رسماً بد امان اسلام و مذهب بیهندند. آنان مانند
برخی از "روشنفکران" امروزی میکوشیدند با آوردن سوره های از قران،

آزاد پخواهی و عدالت را برقار سازند . تمام کوشش‌های آنان از این راه و با این روش عبیث و میمود می‌بود و نتایج انقلاب مشروطیت و شکست کامل آن نشان داد که نمی‌توان با انتکابه قران و اصول مذهبی " آزادی " عدالت و هر ابر " را برابر ملت ایران بهار مفان آورد .

۴- نگاهی بر قانون اساسی مشروطیت

قانون اساسی ۱۳۲۴ هجری قمری انقلاب مشروطیت ایران با الگوی اردن و دست کاری در قوانین اساسی بلژیک و فرانسه تدوین وین گردید . با این تفاوت که هبیران مذهبی در تدوین قانون اساسی و مذهبی نمودن آن استعداد شکری از خود نشان داد " واژه میان کوشش فروگذار نکردند . قانون اساس ایران آنگونه طرح گردید که لائیک و غیر مذهبی نباشد ، بلکه بر تاریخ خود مهر اسلام و در محتوی و اصول آن اهداف و کارکتر مذهبی آخوند هائی چون شیع فضل الله نوری نقش بسته باشد . قانون اساس مشروطیت با بسم الله الرحمن الرحيم - الرحيم آغاز و " اجرای قوانین شرع حضرت ختنی مرتبت صلی الله علیه و آله " در اولین خطوط آن منظور گردید . این امر عطس سیرین ناپذیر آخوند ها را باین تحرف نکرد و شیع فضل الله نوری برای اعلمین خاطر پیشنهاد مقدم قانون اساس را نمود ، تا قانون اساس را کاملاً منطبق با " شریعت نماید . با پذیرفته شدن پیشنهاد ای ارجاعی شیعیخ - فضل الله قانون اساس برد خالت دین را مورسیا سی و سرنوشت

مرد مصححه گذارد . علیق اصل د و م متمم قانون اساسی " مجلس شورا ای ملی " . باید در همین عصری از اعصار موارد قانونی ها مخالفتی با قواعد مقدسات اسلام و قوانین موضوعه حضرت الانام صلی اللہ علیہ و آله و سلم ند اشتبه باشد و معین است که تشخصیس مخالفت قوانین موضوعها قواعد اسلامی هر چند معلمای اعلام اد ام اللہ برکات وجود هم بود و هست لہنا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار ، هیئتی که کتر از زیج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدينین . . . اسامی بیست نفر از علماء . . . معرفی به مجلس شورای ملی ننمایند . پنج نفر از آنها را . . . بالاتفاق با به حکم قرعة تعیین نمود و همین عضویت بشناسند تا موارد یکد ر مجلسین عنوان نمی شود بدقت مذاکره و غیره و در رسی نمود هر یک از آن موارد معنویه که مخالفت با قواعد مقدسات اسلام در اشتبه باشد طرح ورد ننمایند که نهادن قانونیت پیدا نکند و رای این هیئت علماء را باب مطاع و مبتغ خواهد بود و این ماده متأزان ظهر حضرت حجه عصر . . . تغییریز برخواهد بود . (آیا این یک برنامه حساب شد ما ز جانب قدر رتهای هزار که خارجی آن در وران نبود تا بتوانند باقراردادن آن را خوند در صدر مجلس ملتی را درین نگه دارند؟) جای تعجب نیست که چگونه در ۲۰ سال بعد روح ۱۰ نیزه مین اصل را با کم تغییر به صورت یکی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی درآورد و طرح یک حکومت اسلامی را بر پایه ولایت فقیه برحله اجرا گذارد . ویران " پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی " آن از آخوند هارا بعنوان " فقهای شورای نگهبان "

تعیین و موظف نمود . بطوریکه راصل نود و سوم و نود و چهارم ابراز کرد که : مجلس شورای اسلامی بد ون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد . . . و "کلیه صورت میان مجلس شورای اسلامی باید به شورا نگهبان فرستاد مشود . شورای نگهبان موظف است آنرا حد اکثر ظرف د هر روز از تاریخ وصول از نظر انتطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آنرا مفایر بینند برای تجدید نظریه مجلس بازگرداند ، در غیر اینصورت مصوبه قابل اجراء است . " (۹) بدین ترتیب "فقه ای شورای نگهبان " مانند هن آخوند ذکر شده در دوان مشروطیت بر تعامقوانین مجلس حق و توداشته و سرنوشت سیاسی پیک کشور را رد ستگرفتند . سوالی که در ز هن هر خوانند واقع بیان و هوشیاری پید می آید اینست که آیاتا کید بیان از هر رهبری چون و چرا آخوند ها در قانون اساس مشروطیت و قانون اساس رج ۱۰ امری تصادفی است ؟ که امنیروها و کامکشورها قدرتمند خارجی تئوری استعماری از غایم دین در سیاست را آنهم در این سطح وسیع گسترش دار و موسیله مشتق آخوند به مردم ایران تحمیل کردند ؟ قانون اساس مشروطیت در مورد آزادی مطبوعات و آزادی بیان و جمیع اینها به مردم اری از جمیع دین به مقابله همراه اخته و مبنای بر اصل بیست و بیست پنجم که عالم مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین میین . . . منع است . و این جمیعها و جمیع اینها که مولد فتنه دین و نیوی . . . نباشند . . . آزاد است . " (۱۰) بدین صورت قانون

اساس مشروطیت تکمیل گردید و آنچه را که شیخ فضل اللهموی در نظر گرفته بود توانست در آن بگنجاند . البته شیخ فضل اللهموی در شمنی با آزادی خواهان و مشروطیت روابط تنگاتنگی با رهبر امپراتوری عثمانی شاهد بخصوص با محمد علی میرزا را داشت . هر دو شاهزاد روابستگی و سویه‌زدگی به رویه از همچنین کوشش خود را ارزیگردند . حال این سوال مطرح میگردد که شیخ فضل اللهموی چه رابطه‌ای با روسها داشته و روسها تا چه آندازه رحمایت ازون را گنجاند اصول ارجاعی و ضد آزادخواهی متمم قانون اساسی نقش داشته‌اند ؟ اگر مابابررس قانون اساسی و اتفاق (ب) مشروطیت و نقش دوکشور رویه و انگلیس و رابطه آنان با عوامل مذکوه باین نتیجه بررسیم و قبول داشتمای این که تئوری ادغام مذکوب و سیاست در ایران آن در وران چگونه در جهت منافع این دو قدرت امیریالیستی و در جهت نفع آزادی وحدالت اجتماعی بکار گرفته شده است ، آنچه نگاشاید بهتر بتوانیم نقش را در ۱۰ اسلام مبارزو " اسلام مستضعفین " آقای خمینی را در کنیم وی ببریم که در جهت منافع کدام یک از قدرتها سلطه‌گروون کارآمد است . با در نظر گرفتن مسائل فوق سوال دوی که مطرح میشود اینست که چه رابطه‌ای بین قانون اساسی مشروطیت و قانون اساس جمهوری اسلامی وجود دارد ؟ آیا تئوری‌سینها را در تردید وین قانون اساس اسلامی از متمم قانون اساس و اصول ارجاعی پیشنهاد شده از جانب شیخ فضل اللهموی امکنگرفته‌اند ؟ این است شهادت کوتاه‌از واقعیت قانون اساسی ایران در وران مشروطیت .

حال جای بس تعجب است که چرا بخش از پوزیسیون و برخی از نیوها آزاد بخواهند، مترقب و ملی هنوز نتوانسته‌اند از پدیده‌ها و واقعیت‌های در این مشروطیت عبرت بگیرند. برخی نیز هنوز دل درگروقانون اساسی را برای ملت ایران بهار مفهان آورند. تاسفانه بعلت همین برداشت غلط و ندانشتن در راست صحیح از تاریخ و پر خورد از نبودن از یک شورای علمی، صحیح و روشن است که نمی‌توانند راه‌گشا باشند. و نمیدانند که چرا سازمانها او گروه‌های انسان از درون در حال فروپختن است. برخی نیز هنوز قادر نمی‌ستند راست از "اسلام مترقب" و "هارز" خود برداشند و نیم‌نگاهی به نقص مخرب دین در سرنوشت سیاسی ایران بیفکنند.

۵- خمینی عامل اجرای سیاست‌های سلطه جویانه خارجی

هارزات آزاد بخواهاند رانقلاب مشروطه، تقسیم ایران بین دو قدرت بزرگ امپریالیستی آن در این معنی روسیه‌تزاری و انگلستان در سال ۱۹۰۲، شکست جنبش مشروطیت، جنگ بین‌الملل اول، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و قرارداد ۱۹۱۹ و شرق‌الدوله. کاکن و... همگی وقایعی بود که تاثیری فراوان بر جامعه ایران نهاد و عکس‌العملنمای بسیار را بر جود آورد. در آن هنگام مرد هرتجربیات بسیار هر ارزش دست یافتد و اگر برخورد از زرهی‌های صحیح، آگاه و دلسوز بودند، مطمئناً کشته شکسته ایران از گردابهای سه‌گیان

نجات پیدا نمیکرد . هیهای که همچنان مبارزات خود بخودی مرد مبتدا نداشتند کنکی به نجات کشتوکند و سفینه‌های میهن بد و ناخدال ستخوش طوفانهای بعدی گردید . اما مردم در علی این سالهای بحرانی طعم شهربانی آزادی را کنی چشیدند . نسیم دل آبیز آزادی گهگاهی بر آنان نمیدهد و موجب رشد آگاهی شان گشته و کمک متوجه نقش مغرب نمی‌نمایند . راموسیاسی شدند و حناک آخوند هار یگرزنگی نداشتند . هنابراین با توجهه رویدادهای آن دروان ، در خالت و نفوذ روحانیون راموسیاسی کشتوکاهش یافت . بطوریکه پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ (فوریه ۱۹۲۱) وی خصوصی در طول سلطنت رضا شاه نفوذ روحانیون در زندگی اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی پشت محدود نمود . گردید . هرگونه مخالفت و یا مقاومت آنان در هم شکسته شد . قدرت‌های استعماری نیز متوجهاین امرشدند که آخوند ها از "وجهه" پیشین در بین مردم پرخورد ارنیستند پس کوشش نمودند تا از طرق واشکال دیگری برای تسلط بر ایران به مردم اری کنند . پس از جنگ بین اسرائیل و مهرکاری رضا شاه اتفاق آغاز مبارزات ملی و پر شکوه مصدق نفوذ روحانیون همچنان رویه کاهش بود . بخصوصی باشد بدان آزادیهای دیگر اتفاق نگرفت ، به مردم اری از این سلاح قدیمی بسیار مشکل می‌نمود . اما با رشد مبارزات ملی تحت رهبری دکتر مصدق قدرت‌های استعماری بار دیگر نتوانستند از آیت الله کاشانی که در ابتدای جنگ بین اسرائیل و ما زالمان نازی طرفداری کرد و میهن دلیل مد تقی بوسیله

ماموران انگلیس ها زد اشت بود ، برای تفرقه و جدائی افکدند درین
نیروهای ملی استفاده کنند . البته تغییرات عظیمی که هی از شکست
آلمان نازی و جنگ بین اطراف و هم وجود آمد ، موجب قطب بندیهای
جدیدی در جهان گردید . جنبش ای آزادیخواهانهود مکراتیسم
بسیار در سراسر جهان پدیداردند . بسیاری از کشورهای آسیا و
آفریقائی توانستند به استقلال رسماً بپوشند . جنگ کره و اول گیتی
مبارزات ملی در ایران بر هم بری مصدق و گودتا ۲۸ مرداد ۱۳۲۲

(۱۹۵۲) همکن از عوامل محسوب شدند که در شکل گیری تضادهای
نوین بین اطلاع نقش بسزایی را ایفا نمودند . این تحولات و قطببندی
بین اطلاع خواهی نخواهی نمیتوانست بی تاثیر در اوضاع درونی کشور
مباشد . بخصوص که ایران در مصلقهای فوق العاده حساس استراتژیک
قرار داشت و اراده ۰۰۲۵ کیلومتر مرز مشترک با اتحاد شوروی بود . با
توجه به تحولات درونی ایران در نیمه دوم قرن بیست و یکم کشیده شد و
رقابتی ای پیچیده در حال رشد بین قدرتها بزرگ استعماری برسر
ایران نقش آخوندهای وابسته ای که آرام آرام و هارمه حرکت در آمد
بودند ، میتوانست مورد بهره برداری قرار گیرد . تلاشها ای عوامل
مذہبی اینبار نیز چون گذشته مانند یک قدر کوچک سلطانی در ایندیان
امربسیار ناجیز جلوه میکرد ، ولی قدرتها سلطه گر خارجی بخوبی
میدانستند که اگر این غدر رشرا بد مساعد درشد کرد و ظهیری
حائز و هوشیار از پیشرفت آن جلوگیر نکند ، میتواند روزی ملتی را

بزانوافکند هنافع آنان تامین شود . این نظر را اینبار آنان به فسرد گذاش و اگذار کرد صبور ند که از اوتا حد و د سن . ۶ سالگی هیچ گونه اشی د رزمینه سیاسی د پد هیا شنید هنشد صبور . این مرد آیت الله خمینی بود . ازا ولین برنامه های آیت الله خمینی مخالفت با اجرای قانون اصلاحات ارض و واکذاری حق رای به زنان بود . بطوریکه آیت الله خمینی در اسفند ۱۳۴۱ در بیانیه ای تحت عنوان "روحانیت اسلام امسال عید ندارد" اعلام کرد: "دستگاه حاکمه ایران با حکما مقدسه اسلام تجاوز کرد و با حکما مسلمه قران قصد تجاوز دارد و نواحی مسلمین د رشرف هفتگ است و دستگاه جا به رها تصویب نامه های خلاف شرع و قانون اساسی میخواهد زنها عفیف رانگین و ملت ایران را سرافکند هکن . دستگاه جا به ره رنظر دارند تساوی حقوق زن و مرد را تصویب و اجرا کند یعنی احکام ضروریه اسلام و قران کریم را زیر یابگذار د یعنی د خترهای هیجده ساله را به نظام اجباری ببرد و به سریاز خانه ها بکشد یعنی با زور سرنیزی د خترهای جوان عفیف سلطانان را به مراکز فحشا ببرد . هدف ا جانب قران و روحانیت است" . . . (۱۱)

آری مردی مذ همی و خرافاتی د رنیمکد و مقرن بیستم پر طبق روال اسلام خود و آخوند های وابسته به استعماری کهاد خالت دین در امور سیاسی ، ملکت را بروز سیاست شاند صبور ند ، میخواست بار دیگر با استفاده از اسلام و شریعت و گفته ها و نظرات و آرزو های که شیخ فضل الله نوری نتوانسته بود در انقلاب مشروطیت بنفع اربابان خارجی

خود آنطور که باید و شاید بکرسی بنشاند، به مرحله‌ها جرا درآورد.

براستی که اعموامل اساسی سبب شدن دلتا آیت الله خمینی و حامیان داخلی و خارجیش بتوانند بار دیگر مانند گذشتهم استفاده از مذکوب در امور سیاسی ایران در خالت گفته و ملتقی بهند کشیده شود؟ اگر مابه عوامل در رونی که باعث رشد و پاتفییرید یدها و چیزهای است توجه کنیم این سه‌واری مطرح میگردد که آیا همکی از عوامل در رونی واصلی در رشد این غد هسرطانی همان عد موجود آزادیهای در مکراتیک نموده است؟ در حالیکه ولتهاای پرقدرت استعماری همواره در صندوق با بهره‌برداری از نقاط ضعف یک‌ملت، مردم ایران را به زیر یوغ بکشانند، در حالیکه وجود دمکراسی و آزادی ضامن اصلی رشد آگاهیهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، بد شرایط نمود آن مرد یه که اسلحه میتوانند مجهرزگردند تا از میهن و منافع ملی خود رفایع کنند؟ آیا همارزات پرشکوه ملی بر همیزی دکتر مصدق را شیده شرایط دمکراتیکی نمود که در رسالهای بعد از جنگ بین‌الملل و مفراده‌ام؟ شرایط غیرد مکراتیک در ایران بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۴۲ و عد موجود آزادیهای فردی، اجتماعی و سیاسی بهترین و پاشاید تنهای لیل اصلی در رونی را مهیا کرد تا شخصی مانند خمینی و حامیان داخلی و خارجی وی بتوانند در طی ۷ سال باتکیه‌تر تماشی‌بیانی که استعمار در ایران و جهان اند وخته بود، مسردم ناگاهه، فاع البال و از همه جایی خبر را با وعد های سرخ من و در رفیعین در بارهای مازاری، استقلال و عدالت اجتماعی، "حقوق مستضعفین"

و... فریب د هند . هنگامیکه ماردم عادی روپرورشوم اغلب با
کلام حسرت بارون پیمان میگویند : آه چه اشتباہ بزرگی کرد پهله
همین مابود یم که رتیمه هرات خیابانی را افتاد یم و کوکو انخواهان
روی کارآمدن یک رژیم اسلامی شد یم . اکنون باید چوب اعمال خود را
بخویم و با تاختیرین شکلی با نتیجه کارخویش روپرورشوم . ولی آیا براستی
مرد هنآنکه وغیر سیاسی ایران مقصرا میباشد ؟ آیا اگر مرد ایران آگاه
بودند و میدانستند که ریس تئوری ارغام دین و سیاست همواره منافع
قدرتی ای بزرگ استعماری نهفته است هرگزار خمینی و جمهوری اسلامی
و رژیم " نهشتری و نه غربی " حفایت میکردند ؟ بنابراین باید به طور
واقع بینانه و بد ون تعصب بهد لایل اصلی در روی کارآمدن رژیم
اسلامی توجه کرد و مانند برخی ازد وستان میتواند اشت که علل خارجی
موجب تغییرات و دگرگونیها ۶ سال گذشت همیوون است . البته تضادها
خارجی و نقش قدرتها ای سلطنه گرمیتواند موثرهاشد ولی هرگز نمیتواند
بعنوان عامل اصلی و عدم مد اخلى عمل کند .

۶- وجوه مشترک اسلام انقلابی و سوسياليسم علمی

بسیار خوب ، ما از نقش توطئه آمیز آخوند ها و مذهبهاین وابسته در
اجرام سیاستها ای سلطنه جویانه بیگانه و شخص خمینی در طول تاریخ
ایران آگاهند و توجه داریم که آنان تا چهاند از های در راه پیشبرداهدها
اربابانشان تلاش نموده و برای نابودی ایران اقد امکرد و میکنند . اما

سخنی که مطرح میگرد را یافت که در این میان نفس "روشنفکران مترقب"، "پیشرفتیه" و "متقد" مادر افشاری آخوند های مرتعنی چون خمینی که از همان ابتدای فعالیت‌ها پیشان تحت لوای دین به دخالت در امور سیاسی کشور پرداخته بودند، چه بود؟ آیا آنان از نتایج حاصله و واقعیت مبارزات پیگیراند یا شنیدان و آزار پیخواهان بزرگ تاریخ بشریت در برآورده جد این دین از سیاست بی اطلاع بودند؟ در این میان دسته‌ای دیگر که داعیه‌های طبقه کارگر ایران را داشته و خود را "حزب طراز نوین طبقه کارگر" نامیده‌اند "مارکسیسم" را نیز سینه میزدند، آن‌میان استند که دین باید از سیاست جدا شود؟ پس براساس کدام تفکرواند یشه، این اصل علی، خد شهنا پذیر و ثابت شد در تاریخ بشریت - یعنی جدا این دین از سیاست و دولت - را زیر پانه اند؟ حزب توده‌ایران از ابتدای تشکیل خود در برآورده دخالت دین در سیاست بالاتخاذ خط مشی سراپا اشتباه و انحرافی زمینه فعالیت‌ها و تبلیغات "مذهبی"، سیاست "راه‌وجود آوردن" بطور یکه در ۴۰ سال پیش پایه‌های ایدئولوژیکی، سیاست، تبلیغاتی و... چنین خط مشی دروسی را بی ریزی نمود. حزب توده در ۱۵ میاه ۳۲۵ ادر اعلامیه‌ای با حروف درشت ابراز داشت که "... حزب توده ایران نه فقط مخالف مذهب نیست، بلکه مذهب هب بطور کلی و مذهب اسلام خصوصاً احترام می‌گذرد و روش حزب خود را با تعلیمات عالیه مذهب محمدی منافق نمیداند، بلکه معتقد است که در راه‌هدفهای مذهب

اسلام میکوشد. حزب مافوق العاده خرسند و مسرور و مفترخواهد بود اگر از طرف روحانیون روشنفکر و اشتبه مورد حمایت قرار گیرد و آرزو دارد که تمام متین بود پا از اسلام خواهد داشت و توجه به هم تابه ای دشمنان ملخصن باشند که حزب توده ایران حاوی جدی تعالیم مقدس اسلام خواهد بود و آن در راه معاون و مخالفت نخواهد داشت و هرگونه مخالفت را ابله اند خواهد داشت. و هر کسی را که بنام حزب توده ایران داشته باز مخالفت نماید بزند آن او شدید از صفو خود طرد خواهد کرد . (۱۲)

بنابراین . ۴ سال پیش آری . ۴ سال پیش استراتژی همکاری همه جانبی حزب توده ایران با آخوند هاتعیین گردید . بهبود نبود که آنان بعد هابرد خالت آخوند هائی چون خمینی و طالقانی و . . . د را موسیاسی ایران صحه گذاشتند ! و کشور را بسون پرستگاهی عمیقو نابود کنند هر هنون شدند . نتیجه چنین تفکری این بود که حزب توده ایران در اویل تیرماه ۱۳۴۲ در مقاله ای تحت عنوان " مرد ما زیسته ایان آزاد بخواه واستقلال طلب رینی پشتیبانی میکنند " مینویسد : بطوری که معلوم است روز ۱ آبان ماه مأمورین شاه آیت الله خمینی را تحت - الحفظ از تیپفرود گاه مهر آباد برداشتند و از آنجای مقصد نامعلوم خارج از کشور" تبعید گردند . گفته میشود که ایشان را به از میر در ترکیه فرستاده اند . بعید هم نیست زیرا ترکیه ای ابار ولت ایران درست نمیباشد و با آیت الله خمینی همان رفتار را خواهند نمود که

ر ولت ایران کرد. آنچه مسلم است آیت الله خمینی را جائی هر دوستان که از هر نوع آزادی محروم است . . . (نشریه) خواندن نیها برای جبران این اشتباه، کوشید باین استناد که راد پولندن ضمن پخش خبر تبعید آیت الله خمینی از اینجا هر هیئتی شیعیان ایران یار کرد هاست، ایشان را متهم میکند که مورد مهر و علاقه انگلیس هاست و با یک سلسله مفاطلات سعن کرد سهی از نفرت بی پایان مرد همانگوییها را متوجه آیت الله خمینی کند... این استدلال پس از که راد پولندن آیت الله را آیت الله خواند و هر بری روحانی از رهبران شیعیان را رهبر شیعیان ناصد پس آیت الله گویا انگلیس است (!) نفتشها "نمی پسندیم" بلکه آنرا همانند اطلاع‌عهده‌سازمان امنیت "ناشی از اشتباه" خواندند یا میدانیم. شخصیت آیت الله خمینی را اطلاع‌عهده‌سازمان امنیت و بد پیوه گوئی راد پولندن بوجود نیاورد هاست بلکه این شخصیت را آیت الله خمینی قطع نظر از مقام روحانی خود از راه مبارزه مستمر عليه حکومت جبار و قانون شکن ایران واژرا مد فاع از استقلال و آزادی کشور در مقابل ارها با لیبرهود لا رومزد و ران آنها کسب کرد هاست . . (۱۳)

این طرفداری همه جانبه و شدید حزب توده ر مستقل جلوه دادن آیت الله خمینی و ظالقاتی در حد و در ۲۲ سال پیش برای چیست؟ آیا هیچ گروه، سازمان و یا حزبی را میتوانیم بپید اکنیم که در طی ۲۲ سال گذشتمن این درجه مطوف مستمر از خمینی و سایر آخوند های مرتعج طرفدار نکرد میباشد؟ "خوب شخنانه" خویست که ما امروزیما واقعیت اعمال و جنایات

غیرقابل انکار و گسترده‌رژیم فاشیستی مذہبی خمینی را پروهستی به طوری که حتی گروه‌گیری از رهبران حزب تود مهیزد رزند انسهای رژیم اسلامی بسرمهیسند و به "تجزیه و تحلیل" "اعمال و خطاهای" خود در پیشگاه همان آخوند هائی که تا این درجه‌ها زنان حمایت کردند - سپیدرازند . در غیراین صورت ممکن بود آقایان پر تجربه رهبری حزب تود هاسمان و ریسمان را به مهباختند، هزارویک دلیل آورند تاثابت کنند که بین "اسلام انقلابی" آقای خمینی و "سوسیالیسم علمی" وجه مشترک بسیار وجود ندارد . آنان در پیانزد هم خرد از ۱۴۳ در مقاله‌های گری بنام "روی سخن ما با پیشوایان دینی و روحانی است" مینویسند: "... آیت الله خمینی، مستفی از توصیف است مرد ما ز همه روحانیو بخصوص از پیشوایان هر زمان مذہبی انتظار دارد که مانند آیت الله خمینی، آیت الله میلانی، آیت الله طالقانی و آیت الله شریعت‌مراد و امثال آنها در جهاد مقدس و عمومی آزادیخواهانه واستقلال طلبانه مرد ایران شرکت کند و نیروی معنوی خود را در راه پیروزی این جهاد بکاراند ازند . " (۱۴)

بدین ترتیب حزب تود هر هبری پیشوایان مذہبی را از همان ابتداء پیشیده بود و بران اولین بار در تاریخ ایران یک سازمان "مارکسیست" پیدا می‌شود که رهبری یک مشت آخوند نداران و عقب ماند هر آیا جان و دل قبول نمی‌کند . اما حقیقت است که حزب تود هایران را رای تجریمه طولانی در زمینه‌ای دلخواهیک، تشکیلاتی، سیاسی و . . . است و .

متاسفانه در نبود یک جریان صحیح ملی، آزاد یخواهانه و استقلال - طلبانه، توانست تاثیر فراوان بر بسیاری از روشنگران، نیروهای چپ نیروهای ملی متزلزل و جوانان بگذارد. "اسلام انقلابی و اسلام ارتجلی" وطبقاتی را بد نمذهب از همان اول بوسیله تئوریسمینهای حزب توبه بترتبیین مطرح گردید تا بتواند غذان ایدئولوژیکی کافی را به آخوندها، مجاهدین خلق، علی شریعت و سایر افراد و نیروهایی که آمار گرس پذیرفتن این طرز تفکر را اشتبهد، بد هد وستون فقرات ایدئولوژیکی اسلام "طبقاتی" و اسلام‌علی و معاویه، حسین ویزید ریخته شود تا با مذاق مرد مستعد ید «ونا آگاه ایران قرن بیستم سازگار گرد» . آیا نتیجه طبیعی این کوششهاست غیر منطق و غلط جزوی است که رژیم جمهوری اسلامی برکشور ما حاکم گردد و آزادی و مکاری محو، نابود، خسون هزاران تن از جوانان بی تجربه و برومند ایران بر زمین ریخته و ایران به زندان بزرگی تهدیل شود؟ آیا جزاً است که اکنون عفریت مرگ، جنک، آوارگی، تیره روزی، فقر، عقب ماندگی و جهالت بر ایران مستولی است و نونهالان و نوجوانان بیگناه گروه گروه قربانی میشوند تا مشتی جناه تکار تحت لواح "اسلام انقلابی" بر مرد مستعد ید «ایران حکومت کنند؟ حزب نود «ایران آیا میتواند از کنار این مسائلی که خود را بروجود آورد نس نقش اصلی را ایفا کرد مباراکی بگذرد؟ آیا حزب نود ایران فراموش نموده که در باره آزادی و مکاری دروغین را ج. ۱۰، چه مواضع را انتخاب نموده و چگونه منگ انتقلاب اسلامی خمینی را به

سینه میزد؟ حزب توده ایران با استناد به گفته مشاور خمینی در پاییز
در باره " دولت اسلامی یک دولت دمکراتیک به معنای واقعی
است،" (۱۵) و " همه گروههای رسان عقاید خود آزادند، ولکن
خیانت را جاز منعید هیم" (۱۶) مینویسد؛ این صحیحترین و
منطقی ترین معیار برای مزینندی میان گروههای پشتیبان انقلاب و
گروهکهای ضد انقلاب است. امام هموار مرا بین باور بود مانند که برای
گروه اول باید آزادی فعالیت راتا مین کرد و گروه د و هر آباید سرکوب کرده
زیرا کنفعالیت آن به زیان انقلاب است. (۱۷) آیا این "صحیح ترین
و منطقی ترین معیار" بکجا ختم شد و چهار مفانی برای ملت ایران آورد؟
البته اکنون که حزب توده ایران در ظاهر امری مصف اپوزیسیون را ج ۱۰
پیوسته و در کلام گاهگاهی رهبران رژیمها مورد شماتتها و انتقادهای
دولستانه قرار میدهد و " خدا امید اند" که در پیش پرده مهندسی
ریگرن در سرداری، آیا موضع گیریهای خود را تقبل از دستگیری
رهبران حزب توده غراموس نموده است؟ حزب توده ایران در پیام
تبریک خود به " امام خمینی " بمناسبت پانزده همین سده هجری این
جنین خمینی را خطاب قرار میدهد: " به محضر محترم آیت اللہ العظی
امام خمینی ، رهبر عالیقد رانقلاب ایران: (حزب توده ایران با احترام
واحساد صمیمانه آغاز پانزده همین سده هجری را بشما ، بعنوان
بزرگترین شخصیت معاصر دنیا اسلام و رهبر انقلاب بزرگ مسرب
میهنمان تهنیت میگوید . اینکه انقلاب ایران در آستانه این سده به

نمود اری از احیا^{۱۰} اصول انقلابی اسلام پیدل شد^{۱۱}، خود رویدادی نمود
خجسته و مرد مبین برای همه هوار ایران عدالت اجتماعی و رهائی
توده های محروم را ایران وجهان . . . نقش موثر و تعیین کننده شخص
شما چشمگیر و انکار ناپذیر است. حزب توده ایران . . . از همان آغاز
به نقش والا و ارزند مشعادر راین مبارزات بی برد و با شاهکار مگرد (پنجه ۱۲)
میگویند "بارگچ بمنزل نمیرسد" رهبران حزب توده هم‌نهاده بیش
از ۴ سال است که بزرگترین خیانت‌ها را نسبت به طلت ایران اعمال
داشتند، بلکه به اتحاد شوروی به کشوری که سالیان در آن زمان پناه
دار و حمایتشان کرد مبود نیز نشد. هنگامیکه آنان بدست
رج ۱۰ دستگیر شدند، یک تن از آنان مرد انهد رمقابل رژیم اسلامی
نایستاد و از موضع عکسگیریها و اعتقادات و افکار خود رفاغ نکرد، یک تن
از آنان - مانند هزاران تن از آزاد پیشوایان ایران که در زیر شکجه های
قرون وسطانی و شدید رژیم تسلیم شده و تن بمرکز دادند و اعتقادات و
افکار خود را زیر پانجه اند - مقاومت ننمود. همگی رام و سریز بروند و ن
استثناء در تمام گفته های خود شدید ترین حملات را نسبت به دولت
شوروی ابراز کردند و از اسلام خمینی رفاغ نمودند. در طی نیم قرن اخیر
در ایران سابقه‌های اشت که رهبران یک حزب برای راین چنین بر علیه
دولت شوروی به تبلیغ ببرد ازند. آقای نورالدین کیانی شوروی د راعترافات
خود میگوید: " من امروز نظرم اینست که دولت شوروی یک قدرت بزرگ
جهانی است، قدرتی است سلطه گرواین سلطه خود نی را در مبارزه با

سلطه‌گران ریگریه اشکال مختلف عمل می‌کند، در جاهایی با حمایت از جنبش‌های رهایی بخس، در مواردی بصورت بازیچه‌قرار دارن احزای مثل ماود رمowa قعی نیز مثل افغانستان باد خالت نظامی و سرکوب نهادها مرد می‌در مقابله این وابستگی (۱۹۰)

آقای بهادر آذین می‌گویند: «بلورکی بعد از هژر و زیبلا معاشر انقلاب اسلامی، مارکسیسم را ایران بهمن بست رسید و هیچ‌گونه جایی در زندگی سیاسی ایران نداشت و نمی‌تواند داشته باشد. حرف ازین بست مارکسیسم در ایران است. چرا؟ علتی قبیل از همه وجود خود اسلام، اسلام‌انقلاب است که مارکسیسم را بر این شوری منسجم و یارفته شده، از طرف توده‌های میلیونی چیزی بران ارائه ندارد... از این گذشته مسئله وابستگی جریان‌های چپ و مخصوصی حزب به ابرقدرت شرق است که این وابستگی منجر به اعمال و خیانت‌ها و توطئه‌های شد که توده‌های مارکسیسم مستضعفان بر آن آگاهی دارند. مسئله وابستگی من قید و شرط حزب توده می‌باشد به سیاست شوروی است که آنرا بصورت پاک آلت مطیع، فرمانبرداری سیاست شوروی و خالتها که شوروی در ایران بوسیله این حزب (توده) می‌خواهد بکند و کرد هاست... (۲۰۰) و از آقای احسان طبری که رحال نوشتن تزهای وکنای قطور در روز مارکسیسم و حقانیت اسلام‌انقلابی هستند ریگرسخنی بیان نمی‌کند و یمزیرا سخن بیشتر را بیان می‌کند و دل را پریشان می‌کند. اما اکنون که در این باره بیان سخن رسیده ایم می‌توان پرسید که از این همه تلاش‌ها ای عبّث،

منفی، ضد ایرانی و ضد آزادی خواهی چه نتیجه‌ای میتوان گرفت؟ شاید امید به تغییر رموز حزب توده ایران بعد از اینمه مهربا و خیانت در شرایط کنونی بیمورد، غیر منطقی وابه آلیستی باشد، بنابراین نمیتوان بیموده آرزوکرد که ها قی رهبران واعضا درد اخل و خارج از کشور اگذشتند تلح عبرت بگیرند و نتیجه‌گیر و انتقاد از "خطاهای خود" بپردازند! اما سایر روش‌نگرانی که "توده‌ای" نبوده و اگر بوده‌اند اکنون دیگر توده‌ای نیستند، ولی همواره کم‌ویس زیرنفوذ ایدئولوژیک، سیاست و تشکیلاتی و تهدید اتنی آنان قرار داشتند چطور؟ آن روش‌نگرانی که در اوایل رون کارآمد نرژیم اسلامی به حمایت از خمینی و اسلام انقلابی پرداختند و می‌آگاهی از تاریخ و نقش دین در سیاست و عده‌های ممکن بین مذهب و سوسیالیسم، بد و مسئولیت درایجاد رژیم سهیم شدند نه چطور؟ آیا امثال این روش‌نگران را در رهمه جانی بینیم، گاهی چنان سخن می‌گویند که گویا همین مسئله‌ای رخ ندارد و قول معروف درست پیش گرفته‌که عقب نیفتند، آیا این برخور صحیح است؟ پرونده‌های روش‌نگران در نزد ملت ایران محفوظ است، آیا پیشتر نیست که هر چه زور ترتیل یافتد، درست از "پنهان کاری" برداشته و مانند کلک کسری‌ها بر فروپرده، خود را فریب نهند؟ کافات ولکه‌هائی که همه مردم نمی‌میدند ولی ممکن است بزرگان نباورند - بر امانت انسان نشسته بزدایند و هر چه زود تراز موضع غلط و اشتباه میز خود استقاد کنند. این شهادت را دارد. برای آنان هنوزد بینهایت باید از سرنوشت اسفناک رهبران

حزب تودهوساپرکسانی که بعثت ایران پشت کردند، عبرت گرفت و هر چه زود تراقد امکرد. سرنوشت رقت انگیزوناراحت کشیده هبیران حرب توده هبزگترین درس عبرت برای روشنفکرانی است که میخواهند در راه آزادی ایران - با تعاام اشکالات و اشتباها و خطاهای - مهارزه کشند و وقار ارجی خود را به ملت شریف ایران ثابت نمایند.

۷- انقلاب اسلامی یک انقلاب نیست!

بسیاری هنوز براین باورند که "انقلاب اسلامی" یک انقلاب واقعی و اصولی بوده است. و هر ای اثبات این امر فوراً تظاهرات وسیع مردم در طرفداری از رژیم اسلامی را شاهد می‌آورند. آنان همچنین برای اثبات باور خود، با انتخابات می‌دریسی رژیم استناد میکنند که مچگونه میلیونها تن از مردم هراسیل آسای بطریفداری از "انقلاب اسلامی" کشاند. والبته "موج خروشان" میلیونها تن از مردم در تظاهرات را خود را لیلی کافی برای پدید آمدن یک انقلاب میشمارند.

ولی هنگامیکه امروز به تماج علیکرد رژیم جمهوری اسلامی در نقیص تمام شعارها و برنامه های که از همان ابتداء درباره آزادی، در مکاری، استقلال وعدالت اجتماعی به مردم موعده داده بود، مینگریم، آیا هنوز میتوانیم چگوئیم که خیر، مرد افریب نخوردند، و در ایران یک "انقلاب" رخ داد؟ و یا اگر مردم ممید استند در پیش شعارهای د روفین آخوند ها و شوری پسینها و مشاورین مخفی و کارکشتهای که در وریور آنها را محاصره

کرد هاند ، چهنهفت هاست و " انقلاب مذ هیں " چیزی جز جنگ ، آوارگی ، کشتار ، سرکوب و خفغان و فقر و بد بخت و آخرالا مر وا بستگی عی چون و چرا را به قدر ته ای سلطنه گر را بیار نمی آورد ، آیا در آن تظاهرات وسیع شرکت میکردند ؟ آیا غریب مشتی آخوند عوام غریب را میخوردند ؟ واگر پسند بیرون که مذ هب در اواخر قرن بیستم نمیتواند متوجه باشد و هرگاه در سیاست ر خالت کند ضد ر مکاتبه و ارتقای میشود ، آنگاه آیا به این نتیجه نمیرسیم که " انقلاب اسلامی " یک رگرگونی " ضد ر مکاتبه و ارتقای و بازگشتن بعقب بود ؟ اگر هنوز مسئله ای نظر روش نگرانی که دل در گرو " انقلاب اسلامی " خمینی بسته اند ، روشن نیست ، میتوان پرسید آیا از یک خائن و جناحتکاری که کشوری را ایران وطنی را در جهت منافع خارجی بهند کشید میتوان انتظار داشت تا تحت لوای " انقلاب اسلامی " آزادی و مکراسی واستقلال را برای مردم ایران بهار میسان آورد ؟ اگر جواب مشتب است ، پس نباید گفت تمام خائنین و جناحتکاران تاریخ " انقلابی " هستند ؟ باید هیتلر و موسولینی و توجوکه اتفاقا همگی وعد های فراوانی بزرگ ممید اند را نیز " انقلابیون " که برد اندیم که تاریخ باید بوجود آنان افتخار کند . اما در این میان چهار دسته وجود دارند که " انقلاب اسلامی " را بمعنای واقعی یک " انقلاب " میدانند .

دسته اول شامل رژیم جمهوری اسلامی و حامیان را اخلى و خارجی آن میباشد . آنان بیشتر از هر کسی در باره حمایت میلیونها تن از

مرد و مستضعفین" از "انقلاب اسلامی" سخن میگویند و شهارت
صد ها هزار تن در راه استقرار" روزیم اسلامی "رادر علی ۶ سال گذشته
دلیل بارزی برحقانیت "انقلاب اسلامی" میدانند.

دسته دوم شامل حزب توده ایران، سازمان فدائیان اکبریت
وسازمان مجاهدین مشیوند که هنوز از رد گاه "چهار" سالگرد انقلاب
شکوهمند به من "ویا" سالگرد انقلاب ضد سلطنتی - با حذف اسلامی
آن- راجش میگیرند.

دسته سوم مفترضین و محافظه کارانی هستند که همواره مخالف
صارفات رمکاتیک، آزاد پخواهانه و حق طلبانه در تاریخ بوده اند.
آنان از فرصت بدست آمد "بهره جسته با ارائه" انقلاب اسلامی "به
عنوان یک نمونه واقعی از انقلاب، کهیان انقلابهای رمکاتیک و مترقبی
تاریخ بشری را نمی کرد" و بر علیه آن به تبلیغ میپردازند.

دسته چهارم آن کسانی هستند که متاسفانه بعلت نااکااهن از
سیر تاریخ و عد متوجه قیق بشرایط پیچیده ایران قادر به د رک
واقعیات نیستند و با سار طوحی تحت تاثیر تبلیغات غلط درباره
"انقلاب اسلامی" قرار میگیرند.

برخلاف دسته‌اول، دوم و سوم که هر کد امینا بر مصالح و منافع خاصی کوشش می‌کنند که "انقلاب اسلامی" را یک "انقلاب" فلسفی اد کنند و در این مورد بربیک نظر و عقیده‌هایند، مرد مستعد بوده ایران اکون با پوست و گوشت خود حس کرد هاند که "انقلاب اسلامی" یک انقلاب نبود.

"انقلاب اسلامی" یک خیانت و یک فریب بزرگ بود. یک دگرگونی از نوع دگرگونیهای مخرب تاریخ، چون پدید آمد نرژیم ناسیونال سوسیالیست آلمان هیتلری بود. اما آوار و شنفکران مشرق، آگاه و متعهد مادر ارای آن اندازه‌جرات و جسارت هستند تا این واقعیت‌ها را باتمام تلخی این بهذ بینند و بین از این‌سنگ "انقلاب اسلامی خمینی" را بمسینه‌فرزندند؟

۸- خطر بزرگی که مجاهدین خلق را تهدید می‌کند

سازمان مجاهدین خلق که بحق هم‌اکنون در مقابل رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می‌کند، از معدود سازمانهایی است که مواضع صحیحی در قبال جنگ ایران و عراق اتخاذ نموده و در صرف اپوزیسیون غیرهمگون واژهم‌گستته، از کمیتی قابل توجه برخوردار است. ولی بعلت آنکه پایگاه‌منفکروا ید ثولوژی سازمان خود را برآساس در خالت دین در سیاست قرارداده، کلیه مهارزات، جانفشارانها و کوشش‌های هزاران تن از جوانان عضو و طرفدار ارش رانقش برآب کرد هاست. این امر موجب کمال تاصرف است، شاید رهبری سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت متوجه

این مشکل اساس وسیار خطرناک و مهلهکی که با آن روبرو میباشد ، نمیستند . بهمین دلیل بجای حل بنیادی مسئله ، از طرق مختلف کوشش میکنند تا با پنهان کردن پوشاندن این نقطه ضعف بزرگ ، زیر پاگذاردن یک اصل غیرقابل تردید ، ثابت شد و علی یعنی جد این کامل دین از سیاست را توجیه کند . البته باید اذعان نمود ، پس از آن که آقای رجوی ویرخی دیگر از سران و اعضای مجاهدین خلق بفراتر از آمدند ، مرد مستوجه شدند آنان بمرور کوشش میکنند رنگ مذهبی کمتری به گفته ها و نوشته های خود بد هند . و حتی با گذاشت پرچم سرمه رنگ ایران بر سر لوحه نشریه مجاهد در مراسم گوناگون نشان دهند آنقدر هم که مرد فکر میکند آنان مذهبی نمیستند بلکه دارای تعابرات ملی نیز میباشند . ولی این امر مسئله را حل نکرد . مشکل نه تنها کما کان برجام خود باقی ماند بلکه هر روز بزرگتر نیز شد . بطوطی یک منتایج و عوارض حاصله در روابط درونی و بیرونی و نحوه برخورد سازمان با مسئله د مکراسی تاثیری عصی بر جای گذارد و وحیات کل سازمان را بخطرازد اختیه است . کسانی که کوچکترین آشناei با فلسفه دارند ، میدانند مجاهدین خلق مانند ر بود هیوم فیلسوف مشهور ، هم موضع ماتریالیستی را میبندند و هماید ماتریالیستی را . ولی چنین بینش و درک التقاولی آنان از فلسفه بقدرتی ساد طلوحانه وابتداei است که انسان را تحیر میسازد . آقای رجون بار سمت بردن در رار بیان مارکسیستی و تغییر و انطباق آن بر قرآن کوشش بسیاری مبذول داشته اند . کتاب تبیین جهان ایشان

که بطور کلی با استفاده مازیرخی از آثار کلاسیک مارکسیست تهیه شد مها سارگی حیرت آوری این التقاط را عیان می‌سازد . المته کلیه نوشهای مجاهدین بر همین روال است . به نوشهای از این روئی از کتاب تمیں جهان توجه کنیم : "پس اید ظلوژی راهنمای عمل ماست" . "بندون اید ظلوژی انقلابی نمیتوان نهضتی انقلابی را داشت . "قرآن کتاب راهنمای عمل است . "خوانند گان عزیز توجه کنند که نشایاجی برخی از کلمه‌ها یا عبارتها مذہبی عویش ندارند . و پاره رقصت" قواعد تکامل "با آوردن نقل قول بلند از "اچارین" پنج مرحله تاریخ تکامل را از دیدگاه مارکسیست چنین بیان می‌دارد : انسان اولیه ، نظام بزرگی ، نظام ارباب رعیت ، نظام سرمایه داری و جامعه‌ای که عصر جدیدی را به مراد دارد . "عصر زنجیران ، جنبش‌های انقلابی جهان" (۲۱) کلیه آثار و نوشهای مجاهدین بر همین روال است . این عرض تفکر مجاهدین پاک مطلب اصیل و نویش نیود که در تاریخ فلسفه تاریخ بهمن رسترسی پیدا کرد مبود ند . صدها بار قبل از این چهین روشها و همین گفته‌ها بیان شد و هر بار شکست خورد مبود . تناهی از فرق اساس سازمان مجاهدین خلق در این است که مجاهدین با تقلید والگهرد از حزب توده هایران توانستند به "اید ظلوژی ناب توحیدی مسلح شوند" و "اید ظلوژی اسلامی" و "جامعه‌ی طبقه توحیدی" را "کشف" نمایند . بنابراین مجاهدین خلق اگر همگاهی خود را مستقل از حزب توده و سیاست‌های نشان را دارند ، اما موضع‌گیری‌های اید ظلوژیک آنان

د رزمنه‌های ادغام دین و سیاست، طبقاتی دیدن اسلام و مذهب، اسلام انقلابی و اسلام ارتقایی و همچنین سبک کاروشیومبر خود آنها در پیشواری موارد همانند حزب توده ایران بوده است. آیا سازمان مجاهدین خلق میتواند خطربرزگی که حیات سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی سازمان را - در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی شمره و نتیجه د خالت دین در امور سیاسی است - تهدید نمیکند، بر طرف نماید؟ شاید نمیتوان چندان امیدوار بود بخصوص کدر مبارزه بر علیه رژیم اسلامی راههای زیادی برای مجاهدین باقی نماند است. باید منتظر رویدادهای آینده مبود!

۹- چند پرسش ابتدائی از آقای هزارخانی

مجاهدین خلق و "شورای ملن مقاومت" که امروز خود را "تنهای آلترناتیو مکراتیک" میدانند و هر آن ایجاد پاک "جمهوری د مکراتیک اسلامی" بارزیم جمهوری اسلامی مبارزه میکنند، باید در پریا زود به این نتیجه هر سند که "جمهوری د مکراتیک" بمحض اسلامی شدنش - حتی قبل از ایجاد دولت - بیک جریان ضد د مکراتیک تهدیل میگردد. هرگونه کوشش و بازن بالفات برای مفتشون کردن مسئله بیفايد هاست. زیرا اسلام چه بار مکراسی و چمی د مکراسی هنگامیکه صورت ابزاری برای د خالت در پیشاست درآید، فوراً به عاملی برای سرکوب و خفغان تبدیل میگردد. کافی است برای اروشن شدن بیشتر مطلب نگاهی به

روابط د رونی کنونی شورای ملی مقاومت و مجاہدین خلق بیاند ازیم .
 پک نمونه جالب موضعگیریهای آقای هزارخانی در این مورد است .
 آقای هزارخانی چندی پیش در " چهارمین جلسه ماها نجحت و گفتگوی
 "شورای ملی مقاومت" در انگلستان سخنرانی نمودند که به روشنترین
 وضعی سیاست غلط و ضد و نقیص گوئیهای برخی از آقایان "لائیک"
 در شورای ملی مقاومت در روابط همار خالت درین درسیاست را آشکار
 کردند . برهنچه نشریه مجاہد : ایشان در ابتدای سخنرانی ، خود را
بعنوان یک گلائیک صدر رصد " معرفی و اضافه میکنند . لائیسیسم
تفکیک درین ازد ولت است . ولی تفکیک سیاست از مذهب نیست " و
سپس اشاره میکنند " در این وسط یک شورای ملی مقاومت هم وجود
دارد که میگوید ما مبارزه میکنیم برای اینکه " ولت موقع جمهوری را مکار
اسلامی " سرکار باید " (۲۲) (تاکید ها از تویستند هاست)
 از خوانندگان عزیزم خواهیم که به گفته های ایشان که زیر آنها
 خط کشی شده کمال رقت و توجه را می دارند . آیا آقای هزارخانی
 چه مهد فی را در بیان مطالب متناقض خود در نیال میکنند ؟ ایشان
 میگویند که ما مبارزه میکنیم برای اینکه " ولت جمهوری را مکراتیک
 اسلامی " را سرکار آوریم و از علمی میگویند گلائیسیسم تفکیک درین از
 د ولت است . آیا ایجاد " یک د ولت جمهوری را مکراتیک دینی " چه
 چیزی بجزء خالت درین در د ولت است ؟ آیا ایشان منکر این هستند
 که " د ولت جمهوری را مکراتیک اسلامی " یعنی یک " د ولت مذهبی " ؟

پس چگونه ایشان خود شان را گلایک صد درصد "معرفی مینمایند؟
ایشان در همان سخنرانی چند خط پائین تراشاره میکنند که "شورای ملی مقاومت مبارزه برای اسلام" باشد پرسید پس شورای ملی مقاومت برای چه مبارزه میکند؟ آیا اسلام در دولت جمهوری د مکراتیک شورای ملی مقاومت دین نیست؟ اگر هست! پس چگونه میگویند که شورای ملی مقاومت نمیخواهد یا که دولت دینی روی کار بیناورد؟ آقای هزارخانی در ادامه سخنانشان اضافه میکنند

"در واقع هم بران ما، بعنوان شورای ملی مقاومت مذهب رسمی داشتن اصلاح طرح نیست... برسیت شناختن کامل حسنه د مکراتیک مرد مرتعیین سرنوشت خود بد و قابل شدن هیچ چگونه اختیاری بران هیچ مذهبی برای هیچ مسلکی." (۲۲) البته ایشان فراموش کرد که اضافه کنند "بجز مذهب اسلام"! متأسفانه اشتباهات و "خطاهای" آقای هزارخانی وضد و نقیض گوش های ایشان اراده همان طرز تفکر و بینش است که "روشن فکران" "متعمهد" و "آگاه" مابات رسول جستن به آن توانستند در ایجاد واستقرار رژیم فاشیستی مذهبی جمهوری اسلامی نقش بسیار مخرب و "بر جسته ای" را ایفا نمایند. بجایست آقای هزارخانی تاد پر نشده - با توجه به حوارش و رویداد هایی که در رون مجاہدین و شورا خ مید هست - پرسش های فوق را جواب گفته و همچنین سوابق و موضع گیری های خود را در حمایت از تشکیل رژیم جمهوری اسلامی خمینی که علت اصلی عدم

تشخیص کنونی ایشان در جد ائم مسئله‌دین از سیاست است را مرور بررسی و پیش‌میابی قرار دارد . تا هم خود را آسود نگند و هم از زیر بار فشار این‌ها مهر خورد های غلط و خطا های فاحش رهایی یابند .

۱۰- وظیفه آزادیخواهان ایران در باره مذهب چیست ؟

بعد از انقلاب اسلامی " بسیاری از زیر وها و اشخاص که برای اولین بار متوجه نقص مخرب مذهب در سرنوشت سیاست ایران شده وی بردند تحت تلویت دین چگونه ایران در سراسر اشیبی پر نگاهی مخفوف گام‌نها دارد - بطوطی که بیرون آمد از آن بسیاری ایشان را با پیکار و سال یا چند سال امکان پذیر نمی‌ست و احتیاج به سالیان دراز رشته و روزگار و مراتع و جانشانی دارد - بسیار اسرار گشته و یکبار میر علیه مذهب و اسلام اعلان جنگ نموده اند . کتابهای قطور در مذهب مذهب و اسلام چاپ شد . برخی نیز در کتابهای اوجزوهای ایشان گوناگون ، حتی به سایر مندرجات کشف الا اسرار آیت الله خمینی پرداختند تاثابت کنند آقان خمینی تا چهاند از هزاران وی خبر نمی‌باشد . این طرز برخورد تنها در رهار زهی باد دین خلاصه شد و نصیتا و آن دست مسئله پیچید متعوری استعماری از غامد دین در سیاست را توضیح نهاد و به افشا سیاسی . ایدئولوژیک این جریان به مردم ازد . متأسفانه با این برخورد های آن بسیار دشمن ریخته می‌شود و رژیم اسلامی از آن بهترین بهره عارا می‌برد . در راینجا باید بخصوص متوجه میلیونه ای این از بوجوانان و جوانانی بود که در

د بستانها و د بیرونستانها تحت شرایط خفقان زاو "اسلامی" بسر میبرند و د ازان تجربه چندان نمیستند. بدین سبب کویدن مذهب و اعازن جنگ با آن مردم را از مهارزات د مکاتیک د ورکرد و فرقه گرانی و چند رستگی مذهبی را گسترش میدهد و آخوند هارا تقویت میکند. بنابراین برخورد صحیح به مذهب یکی از مهمترین وسنجی‌ترین تریبون وظایف آزاد پیوهان ایران در شرایط کنونی است. آزاد پیوهان ایران میباشد با بررسی ۲۰۰ سال تجربه تلخ گذشته از د خالت روحانیون در امور سیاسی ایران و هر مرد اری کشورهای استعماری از آن بابکار بردن سیاست‌ها و روش‌های زیرد رحل مشکلات سومسایل پیچیده و وابوه جامعه مذهبی و خرافاتی ایران قد هم بردارند:

دین باید از سیاست جدا شد.

آزاد پیوهان ایران باید بطور خستگی ناپذیرا هر نوع برخورد را در مورد د خالت دین در امور سیاسی در هر زمان و هر شرایطی شدیدا مبارزه کنند و به افشاء توطئه‌های گوناگونی که از طرف دشمنان آزاد ایران اعمال میگردند بهر دلیلی کامل دین از سیاست گردند.

دین طبقاتی نیست.

باید با هر گونه تلاش در جهت طبقاتی جلوه دادن مذهب، تقسیم کرد ن آن به دین انقلابی و ارتقایی، دین مستضعفین و مستکبرین و... مبارزه نمود و افشاری آن برداخت.

دین هنری نیست .

" دین تربیات مرد ماست " . این گفته‌اند پسند آن‌ه حقیقت راعیان میکند که ما امروز بوضوح آنرا در کشور خود می‌بینیم . آزاد یخواهان ایران می‌باشد با صبر و حوصله فراوان درجهت آگاهی مردم درباره تاریخچه پیدا شده دین و رشد آن در جوامع عقب ماند مبطور خستگی ناہد پسر کوشش کنند . باید بران مرد همار لسووز بسیار توضیح را در که چرا در جوامع عقب افتاده تعصبات خشک مذهبه حاکم است و هر آن‌دازه انسانی مذهبه تربیاشد ، به مان اند ازه از درک واقعیت‌ها در جامعه ، علم ، طبیعت و روابط اجتماعی ، سیاسی و روانی عاجز تر و هر آن‌دازه مذهب و تعصبات دینی در تربیاشد به مان اند از همین‌آن صحیح ترین پیدا میکند . مردان بزرگ سیاسی معاصر که موجب تغییرات بزرگ اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و پیشرفت و ترقی درجهان شده‌اند از این‌گونه‌اند .

داشتن اعتقادات دینی یعنوان یک امر شخصی

آزاد یخواهان ایران با وجود اینکه بر علیه هرگونه خالق دین در امور سیاسی مبارزه کرد و در افساس آن خواهند کوشید ، اعتقادات دینی را تازمانی که یک امر شخص باشد محترم خواهند شمرد . و در هیچ‌هنگامی معتقد است مذهبه اشخا ی را مورد استهزا و تحقیر قرار نخواهد دارد . آزاد یخواهان ، مبارزات یک شخص مذهبه را در راه سرنگونی رژیم اسلامی سورتا ناید و تشویق قرار میدهند و اعتقادات بگراشیده‌ان

مذهبی اورایک امر شخصی و خصوص میدانند. در عین حال توجه دارند و تحت هیچ شرایطی اجازه نمیدهند که مذهب از صورت یک امر شخصی بیرون آمد و در امور سیاسی رخالت کند.

آزادی برای داشتن دین و یا نداشتن هیچگونه دینی

آزادی خواهان ایران می‌آزادی برای داشتن هرگونه مذهب و آزادی برای بجا آوردن مراسم مذهبی مردم احترام می‌گذارند. در عین حال این آزادی برای برای کلیه کسانی که معتقد به خدا و مذهب نیستند نیز قائل می‌شوند آزادی خواهان ایران هیچگونه فرقی بین مذهب‌گوایان : مسیحی، زرتشتی، بودائی، یهودی، اسلام و همچنین شاخه‌های شیعه، سنی، بهائی و... قائل نیستند. زیرا ارزش واقعی انسانها را معتقد است مذهب هی، اجرای مراسم یعنی ویاند اشتن هیچگونه مذهب هی نیست! معیار سنجش، مبارزات رمکراتیک در اصرنگو رژیم جمهوری اسلامی برای استقرار آزادی در لیلن است. بنابراین هرگونه تبعیض و خشونت بر علیه کلیه اقلیت‌های مذهب هی و همچنین افراد و نیروهای غیر مذهب هی محکوم است و هر کس آزاد است کما زهر یعنی که می‌خواهد پیروی کند و یا بهیج درین معتقد نباشد.

برد و د بودن اعلان جنگ بر علیه دین

اعلان جنگ بر علیه دین بوسیله برخی از روشنفکران یک انحراف بزرگ در مبارزه اصلی بر ضد رژیم جمهوری اسلامی است. بدین ترتیب آنان بدون اینکه با اظرافت در راهی جامعه ایران را از طریق سیاسی -

اید ئولوژیک مورد بررسی قرار دهد و آنرا برای مرد هروشن نهادند ، مهارز صریعه مذهب را بثابهیک وظیفه سیاسی مطرح میکنند . و این رقیقاً آن چیزی است که زیم جمهوری اسلامی خواهان آنست : بحث ، بحث اسلام و مذهب محمدی "میگرد و زیمها تحقیق و فریب مردم با پنهان نمودن اهداف سیاسی و ضد مکاتیک و ضد مردم به جرای برنا مها و نقشه های خود میبرد ازد . بنابراین آزادی خواهان میباشد با هوشیاری به توضیح همه جانبه را پل اساسی سیاسی - اقتدار و سئله بپردازند و برای مرد هروشن کنند که چرا نفوذ مذهب ، اعتقادات شدید مذهبی و خرافات و اوهام درین طبقات فقیر و زحمتکش کارگران و دهقانان و همچنین طبقات متوسط بسیار ریشه دارد میباشد ؟ متاسفانه برخی از روشنفکران ، زمانی در هنگامی همواری کارآمدان رزیمه نظرفداری همه جانبه از اسلام مترقب "پرداختند ، در حالیکه امروز و رجعت فیض موضع دار و مها همان شدتی که از زیم اسلامی طرفداری میگردند بر علیه اسلام موحد هب اعلان جنگ را صادر ننموده اند . هر دوی این برخوردها از ریشه اشتباه و غلط است . مسئله بعد همت ایران اسلام و مذهب نیست . مسئله بعد همت ایران سرنگونی رزیم جمهوری اسلامی واستقرار مکراسی و آزادی در ایران است . بنابراین تسمیه از طریق شرکت در مبارزات دمکرا بر علیه رج. ۱۰۰ است که مردم مقادیر میگردند به بهترین وجهی به ما هیئت واقعی از غامدین در سیاستی برده و خود را زیند اوها و خرافات مذهبی بر هم است .

پادداشتها

۱- دکتر فریدون آدمیت در کتاب امیرکبیر و ایران (ص ۱۸۴) مینویسد :
 ... سرچشمهد یگراند پشه‌های میرزا تقی خان آثار مولفان فرنگی است،
 نشانه‌ای از توجه معنوی او به دنیای معرفت نواهن است ... که ، بوجود
 همه‌آن گرفتاریهای سیاسی ، دستور داد پارهای از کتابهای اروپائی را
 گرد آوردند . وازمجموع آنها کتاب کلانی درد و جلد در احوال جغرافیائی
 و تاریخی و سیاسی و اقتصادی جهان پرداختند . خود براین کار نظرات
 راشت . نامن "جهان نمای جدید" است و نخستین تالیف فارسی است
 که اطلاعات عمومی بسیار دقیق از همه کشورهای پنج قطعه جهان و حتی
 جزایر و رفتارهای قیانوسه ایالحصایه‌های منظم داشت میدهد .

۲- همانجا ص ۴۲۴

۳- همانجا ص ۴۲۵

۴- تاریخ مشروطه ایران ، احمد کسری ص ۴۸

۵- روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴ پژوهشی درباره

امپریالیسم دکتر فریروز کاظم زاره ص ۳۲۰

۶- همانجا ص ۴۲۲

۷- تاریخ مشروطیت ایران ، احمد کسری صفحه ۹۵

۸- متمم قانون اساسی ایران اصل د و مص ۲۵

۹- اصل نود و سوم و نود و چهارم از اصول قانون اساسی روحانی ص ۰

۱۰- اصل بیست و پیست و یکم از اصول قانون اساسی ایران ص ۰

۱۱- مجموعه‌ای از حکایات ، سخنرانیها ، پیامها و فتاوی خمینی ۲۵۵

۱۲- مردم ارگان مرکزی حزب توده شماره ۶۲۵ اول تیرماه ۱۳۴۲

۱۳- مردم ارگان مرکزی حزب توده شماره ۵۷۵ ، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۳

۱۴- نامه مردم شماره ۱ د و مهمنجیم

۱۵- مجموعه مصاحبه‌های "امام خمینی" در خان از کشور جلد اول

- ص ۶۲ (آقای خمینی هنگام اقامه در پریس در پاسخ سوال "شما خواستار جمهوری اسلامی هستید ، چنین دولت آیا آزاد بپسای د مکراتیک را برای همه مرد هضمن خواهد کرد؟ " میگوید: " دولت اسلامی یک دولت د مکراتیک بمعنای واقعی است . . . و هرگز میتواند اظهار عقیده خود ش را بکند و اسلام جواب هم مقاید را بدهد را رد و دولت اسلامی تمام منطقها را با منطق جواب خواهد را . "
- ۱۶- از مجموعه مصاحبه های امام خمینی در خارج کشور جلد اول ص ۸۴
- ۱۷- سومین سال انقلاب شکوهمند میهن ما " از انتشارات حزب تود مایران س ۸۸
- ۱۸- "همای تهریک کمیته مرکزی حزب تود مایران به امام خمینی به مناسبت آغاز پانزده همسد هجری " ۲۹ آبان ماه ۱۳۵۸
- ۱۹- کیهان ۶/۶/۶۲
- ۲۰- اطلاعات ۱۱/۲/۶۲
- ۲۱- تهیین جهان ۵- ۱ قواعد و مفهوم تکامل انتشارات مجاهدین خلق چاپ اول آذر ۸۵ ص ۴۱
- ۲۲- گزارشی از چهارمین جلسه ماهانه محث و گفتگو نمایندگی شورای ملی مقاومت در انگلستان نشریه مجاهد ۱۸۹ س ۶۹
- ۲۳- همانجا

انتشارات آزادی ایران

آدرس :

SAYADI

B.P. 211

92220 BAGNEUX

CEDEX . FRANCE

بها : برابر ۱۰۰ فرانک فرانسه